

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۷/۱۶

شماره مسلسل: ۱۹۳۱۶

کد موضوعی: ۲۷۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

جستاری پیرامون فرهنگ مقابله با فساد
(به همراه راهکارهای تقنینی)

زیر نظر دبیرخانه ستاد مقابله با فقر، فساد و تبعیض

نام دفتر:

مطالعات فرهنگ و آموزش (گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلاق)

تهیه و تدوین کنندگان:

ابراهیم غلامپور آهنگر، حامد سهرابی، محمدامین قاسمی پیر بلوطی، رضا مستمع

مدیر مطالعه:

رضا مستمع

همکاران:

سیدعلی محسنیان، سینا عصاره نژاد دزفولی، جواد صبوری کزج، سعید شفیعا، ریحانه رحمانی پور، حسین نصیری، یوسف زراعت کیش، مهدی مرادی، اکرم آقامحمدی، محمدصادق عبدالهی کرمانی، هادی یوسفی

ناظران علمی:

موسی بیات، سیدیونس ادیانی

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

سیده مرضیه موسوی راد

واژه‌های کلیدی:

۱. مقابله با فساد

۲. ذهن

۳. فرهنگ

۴. شیوع فساد

۵. سیاستگذاری فرهنگی



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه و بیان مسئله.....	۹
۲. تعریف، ویژگی‌ها و نشانه‌های فساد.....	۱۰
۳. قرائتی از پیدایش و گسترش فساد.....	۱۲
۴. عوامل بروز انواع فساد در جامعه.....	۱۴
۵. سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای فرهنگی مقابله با فساد.....	۱۷
منابع و مآخذ.....	۲۱

فهرست جداول و شکل

جدول ۱. راهبردهای فرهنگی مقابله با فساد.....	۸
جدول ۲. راهکارهای فرهنگی پیشنهادی به منظور مقابله با فساد.....	۸
شکل ۱. ارتباط متغیرهای اصلی و واسطه‌ای فرهنگی در پیدایش فساد.....	۱۳



جستاری پیرامون فرهنگ مقابله با فساد (به همراه راهکارهای تقنینی)

چکیده



فرایندها از جمله آنها هستند. از این سیاست‌ها می‌توان به تصمیمات قانونگذارانه‌ای مانند طراحی نشان ملی (جایزه) مقابله با فساد، تولید آثار ادبی، برنامه‌های نمایشی و بازی‌های رایانه‌ای حاوی ارزش‌های فسادستیزانه، آگاهی‌بخشی و تقویت‌کننده جایگاه اشخاص مبارزه‌کننده با فساد (به خصوص قوه قضائیه و نیروهای انتظامی و امنیتی، تدوین آیین‌نامه اجرایی شیوه پوشش رسانه‌ای فساد، تدوین ضوابط تأسیس و فعالیت گروه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد تخصصی مبارزه با فساد و سوت‌زن، ایجاد دادگاه اخلاق سیاسی و مدیریتی، طراحی و راه‌اندازی سامانه‌های صحت‌سنجی و راستی‌آزمایی در خصوص عملکرد نهادها و بازنمایی آن و حمایت از روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای افشاگر فساد اشاره کرد.

نگرانی‌ها نسبت به گسترش فساد در سطح جامعه و تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای اصیل اسلامی و ایرانی، ضرورت مقابله فرهنگی با فساد را دوچندان کرده است. لذا شناخت ابعاد فرهنگی فساد و زمینه‌های پیدایش و گسترش آن برای سیاستگذاری‌های فرهنگی اهمیت دارد. عوامل مختلفی مانند ضعف هویت، عدم انتقال ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده، عدم آگاه‌سازی، انحصار منابع و موقعیت‌های اجتماعی، عدم شفافیت، تبعیض در توزیع منابع، کاهش سرمایه اجتماعی و مانند آنها بر گسترش فساد اثر گذارند. اگرچه مواجهه فرهنگی با مفسد دشوار است، اما برای کاهش فساد، سیاست‌ها و راهبردهایی را می‌توان در نظر گرفت که احیا و نهادینه‌سازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، تقویت نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای، تقویت نظام ارزشی و اصلاح ساختارها و



■ بیان / شرح مسئله

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران که با خود فرهنگ اصیل اسلامی را به همراه دارد، انتظار عموم مردم بوده و هست که مسائل و مشکلاتی مانند فساد و تبعیض از جامعه برچیده شود. با گذشت زمان و با وجود تلاش‌های بسیاری که برای از بین بردن فساد انجام شده و توفیقات ارزنده‌ای برای به حداقل رساندن شان به دست آمده، اما هنوز مواردی از فساد در رسانه‌ها انعکاس می‌یابد. بنابراین لازم است از هر منظری برای مقابله با آن اقدام جدی به عمل آورد. از آنجایی که از منظر سیاستگذاری فرهنگی خطر اصلی این است که ذهنیت نسبت به فساد تغییر کرده و ارزش‌های فساد آلود عادی‌سازی و حتی تبدیل به هنجار شوند و نیز بازنمایی فساد افکار عمومی را دچار خدشه کند، بنابراین این گزارش با هدف تبیین ابعاد فرهنگی پیدایش و شیوع فساد و نیز راهکارهای فرهنگی مقابله با این پدیده شوم تدوین شده است.

■ نقطه نظر ها / یافته‌های کلیدی

بر مبنای ویژگی‌های قابل احصا از انواع فساد، تعریف از فساد این گونه است که «فساد فعل یا ترک فعلی آگاهانه است که توسط فرد یا افراد دارای مسئولیت، منصب یا مقام و یا اقتدار خارج از موازین و رویه‌های شرعی، ارزش‌های انسانی و اخلاقی و چارچوب‌های قانونی به صورت پنهان یا غیررسمی در جهت دسترس ناعادلانه به امتیازها و منابع خاص بر مبنای ترجیح منافع شخصی بر خیر جمعی انجام می‌پذیرد». در خصوص علت پیدایش فساد باید گفت که هر فسادی از یک منشأ آغاز می‌شود و دور شدن ذهن انسان از ارزش‌های الهی را باید منشأ همه فسادهای در نظر گرفت. زیرا وقتی ذهن انسان ارزش‌های ناب الهی را نادیده گرفته و ارزش‌هایی را برمی‌گزیند که با باورهای انسانی و اخلاقی در تضادند، فساد کردن آغاز و در همه بخش‌های زندگی فردی و جمعی بروز می‌یابد. در واقع مفسد با توجه به جایگاه و مسئولیتی که دارد از داشته‌ها و امکانات عمومی برای نفع شخصی یا گروهی سوءاستفاده

- می‌کند. چنین فعلی از عوامل مختلفی نشئت می‌گیرد، اما مهم‌ترین عوامل فرهنگی که می‌توان نام برد عبارتند از؛
- تضعیف برخی از ارزش‌ها و هنجارهای پایه،
- ضعف هویت،
- عدم انتقال یا انتقال ناقص ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده،
- کمبود سواد و آگاهی‌های عمومی،
- کاهش امکان پیش‌بینی آینده (غلبه رویکردهای کوتاه‌مدت بر بلندمدت)،
- کاهش سرمایه اجتماعی،
- غلبه رویکرد مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی بی‌رویه و تحت‌الشعاع قرار دادن معنویات و ابعاد اخلاقی،
- انحصار منابع و موقعیت‌های اجتماعی،
- عدم شفافیت،
- تبعیض در توزیع منابع،
- مشی و عملکرد نامناسب برخی از مسئولان،
- پرداخت نامتوازن به افشا و برخورد با فساد،
- حمایت ناکافی از افشاکنندگان فساد،
- نظارت ناکارآمد بر تولید و عرضه آثار رسانه‌ای،
- ضعف نهادهای اجتماعی فرهنگساز،
- ضعف متولیان فرهنگی.

■ پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

برای مقابله با فساد در شرایطی که روابط انسانی از سادگی تبدیل به پیچیدگی شده و ابعاد آگاهی و اقناع متنوع و گسترده شده، تغییر باورها و ارزش‌ها امری دشوار و مواجهه فرهنگی با مفسد امری دشوارتر شده است، اما برای کاهش فساد اقداماتی را با توجه به ابزارهای فرهنگی می‌توان انجام داد. در جداول زیر راهبردهای فرهنگی مقابله با فساد و سپس راهکارهایی در این زمینه ارائه می‌شود.



جدول ۱. راهبردهای فرهنگی مقابله با فساد

سیاست‌ها	راهبردها
احیا و نهادینه‌سازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ عمومی	تقویت کنش‌های جمعی (اجتماعی) نسبت به اقدام مفسدانه
	تقویت شفافیت با تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در نظارت همگانی
	افزایش مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی جمعی
تقویت جایگاه و کارکرد نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای	الگوسازی از شخصیت‌های مقابله با فساد
	متوازن‌سازی پرداختن به افشا و برخورد با فساد
	رعایت ملاحظات اخلاقی (به‌ویژه اشاعه فحشا) و مصالح عمومی (به‌ویژه حفظ نظام)
تقویت نظام ارزشی حاکم بر فرد و جامعه	تقویت مؤلفه‌های هویتی جمع‌گرایانه
	ارتقای شأن و جایگاه قانون و پایبندی به آن
	ترویج فرهنگ کار و تلاش
اصلاح ساختارها و فرایندها	تنوع‌بخشی به شکل‌های مشارکت مردمی در امور حکمرانی
	دشوارسازی امکان تحقق فساد
	استحکام‌بخشی به ضمانت اجرای قوانین
	ارتقای شایسته‌سالاری در فرهنگ سازمانی

راهکارها: با توجه به سیاست‌ها و راهبردهای فوق، راهکارهای فرهنگی پیشنهادی به‌منظور مقابله با فساد به شرح زیر ارائه می‌شود.

جدول ۲. راهکارهای فرهنگی پیشنهادی به‌منظور مقابله با فساد

پیشنهاد	متولی
طراحی نشان ملی (جایزه) مقابله با فساد و اهدای سالیانه آن	شورای عالی انقلاب فرهنگی با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و دیگر نهادهای ذی‌ربط
تولید آثار ادبی و نمایشی حاوی ارزش‌های فسادستیزانه، آگاهی‌بخشی و تقویت‌کننده جایگاه اشخاص مبارزه‌کننده با فساد (به‌خصوص قوه قضائیه و نیروهای انتظامی و امنیتی)	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تولید برنامه‌های نمایشی، نظارتی، انتقادی و مطالبه‌گرانه و آگاهی‌بخش درباره آثار سوء رشوه دادن و رشوه گرفتن بر حقوق عموم مردم؛ معرفی و برجسته‌سازی شخصیت‌های الگو در زمینه مبارزه فساد؛ تدوین آیین‌نامه اجرایی شیوه پوشش رسانه‌ای فساد.	سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران
تولید بازی‌های رایانه‌ای آموزشی و آگاهی‌بخش	بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای
تولید محتوای آموزشی حول محور عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد و جلوگیری از ایجاد و اشاعه آن و گنجاندن آن در کتب درسی	وزارت آموزش و پرورش
تدوین ضوابط تأسیس و فعالیت گروه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد تخصصی مبارزه با فساد و سوت‌زن	وزارت کشور
ارتقای ساختاری و عملکرد واحد مربوط به امر به معروف و نهی از منکر مسئولان و کارکنان دولتی	ستاد امر به معروف و نهی از منکر
ایجاد دادگاه اخلاق سیاسی و مدیریتی	قوه قضائیه
تدوین شاخص‌های مربوط به اجرای سیاست‌های فرهنگی با تأکید بر تنظیم فهرست نظارتی-کنترلی (چک‌لیست)	شورای عالی انقلاب فرهنگی
طراحی و راه‌اندازی سامانه‌های صحت‌سنجی و راستی‌آزمایی در خصوص عملکرد نهادها و بازنمایی آن	سازمان بازرسی کل کشور با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
حمایت از روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای افشاگر فساد در طرح حمایت مالی از افشاگران فساد (ثبت ۲۱۶)	کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی کمیسیون حقوقی و قضایی

۱. مقدمه و بیان مسئله

از گذشته تاکنون فساد در سطوح و اشکال مختلفی در زندگی انسان بروز داشته است؛ از فساد فردی تا جمعی، فساد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی و فساد خرد یا کلان، اما یک نقطه مشترک وجود دارد و آن اینکه عمل یا فعلی برخلاف چارچوب تعیین شده در یک نظام ارزشی و اصول حاکم بر یک بخش از مردم صورت پذیرفته و حقوق دیگران ضایع شده است. در واقع، معضل اصلی بی توجهی یا کم توجهی فرد یا افراد مفسد به اصول و ارزش های عالی‌های است که محافظ حقوق و منافع جمعی به شمار می آید. در این شرایط وجدان اکثریت مردم آن را عمل ناشایست شمرده و «فساد» می داند به گونه ای که «مفسد» از طرف جامعه طرد می شود. همه فسادها از یک کانون نشئت می گیرند؛ ذهن انسان. کانون دریافت، پردازش و پاسخ به ارزش ها و اصول است. لذا اگر ذهن یک انسان دچار کج تابی رو به فساد و انحراف شود در رفتار و گفتار او نیز فساد بروز می یابد. وضعیت فساد آمیزی را که ذهن بدان گرایش پیدا می کند باید به معنای انحراف ذهن از پردازش درست ارزش های انسانی دانست. این ارزش ها در چارچوب فرهنگ تعریف می شوند؛ زیرا فرهنگ یک الگوی اندیشیدن و عمل کردن است و همه اعتقادات، باورها، ارزش ها، آرمان ها، هنرها، فنون و آداب جامعه را در بر می گیرد و در رفتار و عملکرد هر فرد یا گروه دیده می شود و آنان را از افراد جوامع دیگر متمایز می کند [۱]. در اینجا ذهن فرد به جای اینکه از ارزش ها و هنجارهای انسانی حامی منافع جمعی تبعیت کند، دچار انحراف شده و تنها به دنبال منافع خویش است.

با توجه به اینکه جوامع مختلف مبتنی بر نظام فرهنگی خود ارزش ها و هنجارهای شان را تعیین می کنند، لذا تعریف فساد می تواند شکل های مختلف و منحصر به فردی داشته باشد، البته با وجود ارزش ها و هنجارهای فراملی، همچنان فرهنگ ملی جوامع بر ذهنیت و ادراک جامعه از فساد اثر گذاری قابل توجهی دارد. به همین دلیل ادراک از فساد در جوامع با فرهنگ های مختلف قابلیت آن را دارد که متفاوت باشد. این امر از منظر سیاست گذاری فرهنگی به لحاظ سلامت یا انحراف جامعه مورد توجه است.

چالش و مسئله مهم در امر سیاست گذاری فرهنگی وضعیتی است که فساد و گستره آن به گونه ای درک شود که فعل فساد آمیز و فرد مفسد مورد پذیرش بخش قابل توجهی از مردم قرار گیرند؛ به گونه ای که در قالب یک الگوی رفتاری، ارزش گذاری شوند. به این صورت که ارزش ها و هنجارهای مفسد، بر ذهنیت دیگران غلبه کرده و آنها را به سمت رفتارهای فاسد (به عنوان ارزش و هنجار جایگزین) بکشاند. در این حالت عمل و عامل فساد نه تنها از سوی جامعه طرد نمی شود، بلکه ممکن است به عنوان یک نماد مطلوب اجتماعی (حتی قهرمان) معرفی و تبلیغ شود. در بستر پنهان و گاه حتی آشکار چنین جامعه ای ارزش فرهنگی مطلوب، رسیدن به جایگاهی خواهد بود که مفسد بدان رسیده، لذا تبعیت از آن رفتارها پذیرفته می شود. مقام معظم رهبری ^{مدظله العالی} در این خصوص تأکید داشته و می فرمایند: «فساد چیز مسری ای هم هست. خدای نکرده وقتی [در] یک بخشی فساد وارد شد، این بیماری سرایت می کند؛ روز به روز هم زیادتر می شود. وقتی که با فاسد برخورد نشود، فساد افزایش پیدا می کند» [۲].

در جامعه سالم با کنترل اجتماعی قوی، فرد فاسد رفتارهای فساد آمیز خود را پنهان می کند، اما در جامعه ای که آلوده به بیماری فساد در سطح گسترده شده باشد، رفتار فساد آمیز در نزد اکثریت ارزشمند می شود و همه در رقابت برای انجام فعل فاسد خواهند بود (مثل قوم لوط). در چنین حالتی است که افول مسئولان آن جامعه فرامی رسد و ممکن است یک نیروی اجتماعی با فرهنگ قوی آنها را پس بزند؛ انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ نمونه ای از نیروی اجتماعی فرهنگی است که قدرت حاکمه فاسد را پس زد.

با انقلاب شکوهمند اسلامی و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ایران که با خود فرهنگ اصیل اسلامی را به همراه دارد، به عنوان جایگزین نظامی که در آن فساد و تبعیض در ساختار دولتی نهادینه شده بود، این امید ایجاد شد که ریشه چنین کج روی هایی بر چیده خواهد شد. با گذشت زمان و با وجود تلاش های بسیاری که برای از بین بردن فساد انجام شده و توفیقات ارزنده ای برای به حداقل رساندن شان به دست آمده، اما هنوز مواردی از فساد هر از گاهی شنیده شده و در رسانه ها انعکاس می یابد. با توجه به ضرورت ریشه کنی فساد، باید از ابعاد مختلف و به صورت خاص از منظر سیاست گذاری فرهنگی مورد کنکاش قرار گیرد. زیرا، به مرور زمان تغییراتی در فرهنگ مردم جامعه هم مشاهده می شود، که نشانه هایی از کج روی های فرهنگی جامعه است؛ غلبه مادی گرایی، دگرگونی در تعریف از «آدم زنگ» به جای فرد مفسد و تبدیل شدن به عنوان یک الگوی رفتاری، از بین رفتن قبح برخی از مفاسد از جمله دادن رشوه، رواج تجمل گرایی خصوصاً در بین مسئولان و مانند آنها بخشی از این نشانه ها هستند. این امر زنگ خطری برای مسئولان و دلسوزان به شمار می آید و لزوم تصمیم گیری فوری را می طلبد. زیرا خطر اصلی این است که ذهنیت اکثریت جامعه نسبت به فساد تغییر کند و ارزش های فساد آلود جایگزین فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی شده و مبنای تصمیمات فردی و جمعی قرار گیرند. در این خصوص نیز مقام معظم رهبری ^{مدظله العالی} تأکید دارند که: «در زمینه فساد هم، به بسترهای فساد خیز توجه بشود... یعنی بایستی با نگاه کارشناسی، زمینه بروز فساد را و تولید فساد را شناسایی کرد، شناخت و با همان نگاه کارشناسی، به جنگ فساد رفت و برای ریشه کنی فساد تلاش کرد و کار کرد» [۳].

از این جهت این سئوالات مطرح می شود که چرا فساد به وجود می آید؟ چه عواملی تأثیر گذارند؟ فساد چگونه گسترش می یابد؟ ساختارها و بسترهای فرهنگی تقویت کننده گرایش به فساد یابی تفاوتی نسبت به مقابله با فساد کلامند؟ راه حل های کاربردی و اجرایی برای مقابله با فساد از منظر فرهنگی در سطوح قانونی یا اجرایی چه مواردی می توانند باشند؟ پاسخ به هر کدام از این سئوالات نیازمند پژوهش های مفصلی است و گزارش حاضر در توان خود سعی دارد نگاهی فرهنگی به چرایی و چگونگی پیدایش و گسترش فساد و راه حل های فرهنگی ممکن در موضوع فساد داشته باشد. از این رو گزارش با تحلیل و صورت بندی نظری از ایجاد و گسترش فساد و بررسی عوامل ایجاد فساد، پیشنهادهایی ارائه خواهد کرد.



۲. تعریف، ویژگی‌ها و نشانه‌های فساد



فساد، در قرآن کریم در چه معانی به کار رفته است؟
وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ: و کسانی که پیمان خدا را (بر توحید و پذیرش دین) پس از استوار کردنش (با معجزات و دلایل)، می‌شکنند و از آنچه خداوند دستور داده که با آن پیوند شود می‌برند و در روی زمین فساد می‌کنند، آنها را لعنت و لعنت و عاقبت بد این سرای است (سوره رعد، آیه ۲۵).

در قسمتی از آیات مورد بحث، بخشی از صفات اصلی مفسدان و آنها که عقل و اندیشه واقعی خود را از دست داده‌اند را بیان می‌کند و در حقیقت تمام مفاسد عقیدتی و علمی آنها در سه جمله، خلاصه شده است:

■ شکستن پیمان‌های الهی که شامل پیمان‌های فطری، پیمان‌های عقلی و پیمان‌های تشریحی می‌شوند.

■ قطع رابطه‌ها: رابطه با خدا، رابطه با رهبران الهی، رابطه با خلق و رابطه با خویشان.

■ آخرین قسمت که ثمره دو قسمت قبل است، فساد در روی زمین است.

و گاهی هم‌ردیف با هلاک کردن حرث و نسل بیان شده:
وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ: و چون روی گرداند (و از نزد تو بیرون رود، یا چون سرپرست کاری شود) در زمین به راه افتد تا در آن فساد کند و کشت و نسل را نابود نماید (سوره بقره، آیه ۲۰۵).

فساد که نقطه مقابل صلاح است، به هر گونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود [۴] و به گفته راغب در مفردات، الفساد خروج الشيء عن الاعتدال قلی لا کان او کثیرا، و یضاده الصلاح و یستعمل ذلك فی النفس و البدن و الاشیاء الخارجة عن الاستقامة: فساد هر گونه خارج شدن اشیا از حالت اعتدال است، کم باشد یا زیاد و نقطه مقابل آن صلاح است و این در جان و بدن و اشیا بی که از حد اعتدال خارج می‌شوند، تصور می‌شود [۵].

بنابراین تمام نابسامانی‌هایی که در کارها ایجاد می‌شود و همه افراط و تفریط‌ها در کل مسائل فردی و اجتماعی، مصداق فساد است. در قرآن مجید نیز در بسیاری از موارد فساد و صلاح در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند.

و زمانی در کنار قطع پیوندهایی که خدا به آن فرمان داده است مانند:
الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ: همان‌هایی که پیمان خدا را پس از محکم کردنش می‌شکنند (با احکام خدا پس از ثبوت آن به نقل و عقل، مخالفت می‌کنند) و آنچه را که خدا فرمان داده وصل شود (مانند رابطه با ارحام و معصومان و دین) قطع می‌کنند و در روی زمین به فساد می‌پردازند، آنها را لعنت می‌کنند (سوره بقره، آیه ۲۷).

و گاه در کنار برتری جویی و سرکشی قرار گرفته: تَلَسَّكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا...: آن خانه برتر و والای آخرت را از آن کسانی قرار می‌دهیم که در روی زمین اراده برتری و تسلط (بر دیگران) و فساد و تباهی ندارند... (سوره قصص، آیه ۸۳)

گاه فرعون را مفسد می‌شمارد و به هنگام توبه کردن در حال غرق شدن در نیل می‌گوید: الْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ: (به او گفته شد) الان (که وقت توبه گذشته)؟! در حالی که پیش از این نافرمانی کردی و از تبهکاران بودی. (سوره یونس، آیه ۹۱)

و نیز این کلمه (فساد فی الارض) گاه در مورد سرقت به کار رفته، همان‌گونه که در داستان برادران یوسف می‌خوانیم که پس از اتهام‌شان به سرقت گفتند:

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ: (برادران یوسف) گفتند: به خدا سوگند شما نیک می‌دانید که ما نیامده‌ایم در روی زمین تبهکاری کنیم و ما هرگز دزد نبوده‌ایم (سوره یوسف، آیه ۷۳).

در سوره بقره آیه ۲۲۰ می‌فرماید:... وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ... و خداوند افسادگر را از اصلاح‌گر می‌شناسد...
و در سوره اعراف آیه ۱۴۲ می‌خوانیم:... وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ...: و به اصلاح پرداز و از راه فساد انگیزان پیروی مکن.

و گاه هم‌ردیف کم‌فروشی بیان شده همان‌گونه که در داستان شعیب می‌خوانیم:... وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ...: و از مردم کالاهایشان را (هنگام ادای حقوق در تمام سنجیدنی‌ها) کم

در بعضی از موارد ایمان و عمل صالح را در برابر فساد قرار داده است، أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ...: آیا ما کسانی را که ایمان آورده و عمل‌های شایسته انجام داده‌اند (در مقام پاداش) همانند فساد انگیزان در روی زمین قرار می‌دهیم؟ (سوره ص، آیه ۲۸) از سوی دیگر در بسیاری از آیات قرآن، فساد با کلمه فی الارض،

مانع ایجاد کلان‌نگری و وسعت دید در موضوعات مختلف می‌شود. به نحوی که مفسدان، اساساً ارزشی برای مصالح جمعی و منفعت کلان اجتماعی قائل نیستند و نمی‌توانند آن را در محاسبات خود لحاظ کنند. از این رو، در باز تولید این نگاه در سساختارها و نهادهای مختلف تلاش می‌کنند. این موضوع به اشکال مختلف در تربیت فرزندان در نهاد خانواده یا آموزش رسمی و همچنین در نظام ارزش گذاری ساختارهای اداری و تشکیلاتی یا نحوه مواجهه مردم در معاملات بازار قابل پیگیری است. نگاهی که نه می‌تواند جمعی را ببیند و نه می‌تواند جامعه‌ساز باشد؛ لذا از درک عمق و وسعت خیری که به جمع می‌رسد عاجز است و برای بر ساخت آن نیز اقدامی نمی‌کند.

۲. پنهان یا غیر رسمی

ویژگی دیگری که مشترک بین انواع فسادهاست، وجود روابط پنهانی و به دور از انظار عمومی جامعه است. رفتار فسادآلود چون خیر یا منفعتی را برای عده‌ای محدود خارج از قانون طلب می‌کند باید به دور از انظار جامعه و مخفی نگه داشته شود تا خودش را حفظ و باز تولید کند؛ از این رو شبکه فساد برای اینکه بخواهد باقی بماند، ناچار است همواره مقاومتی علیه عمومی کردن ایده‌های اصلی داشته باشد و با تبیین و توضیح‌های عمومی یا ایجاد اتاق‌های شیشه‌ای هدفمند مخالفت کند.

۳. عمل خارج از موازین شرعی، رویه‌های عرفی و چارچوب‌های قانونی

مشخصه دیگری که فساد را از سایر انحرافات متمایز می‌کند این موضوع است که فساد، خارج از رویه‌ها و چارچوب‌های شرعی، عرفی یا قانونی صورت می‌گیرد. شبکه فساد، بقای خودش را عمدتاً خارج از روال‌های رسمی و قانونی یا در گلوگاه‌هایی که خلأ قانونی وجود دارد، دنبال می‌کند. بدین جهت، این شبکه، همواره سعی در دور زدن، کنار زدن یا تضعیف موازین شرعی و روال‌های عرفی و قانونی دارد.

۴. دسترسی به امتیازها و منابع خاص به صورت ناعادلانه

از دیگر ویژگی‌های شکل‌گیری فساد، این موضوع است که فرد یا گروهی محدود، خواهان دسترسی به امتیازها و منابع خاص به صورت ناعادلانه هستند. به بیان دیگر فساد وقتی شکل می‌گیرد که فرد یا گروهی، منابع محدود در هر حوزه‌ای را بدون لحاظ نفع عمومی افرادی که می‌توانند از آن منابع برخوردار شوند، صرفاً برای شخص یا گروه خود طلب می‌کند. تبعات این نوع از دسترسی‌های خاص، شکل‌گیری فسادهای شبکه‌ای است. به این معنا که گروه‌های مختلف به منظور کسب امتیازهای ویژه، تلاش می‌کنند در حوزه‌های گوناگون، بده‌بستان‌هایی خارج از شبکه دسترسی‌های عمومی را شکل دهند تا با کسب امتیاز ویژه در حوزه‌ای، دسترسی به امتیاز دیگری را در اختیار گروهی دیگر قرار دهند.

مگذارید و تبه‌کارانه در روی زمین نپوید. (سوره هود- آیه ۸۵)
و بالاخره گاهی به معنای به هم ریختن نظم عالم هستی و جهان آفرینش آمده است: لَوْ كَانَ فِيهِ مَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا...: اگر در آسمان‌ها و زمین خدایان دیگری غیر از الله وجود داشت، بی شک هر دو (آسمان‌ها و زمین از نظر حدوث و بقا) فاسد می‌شدند،... (سوره انبیاء، آیه ۲۲).

از مجموع این آیات که در سوره‌های مختلف قرآن آمده به خوبی استفاده می‌شود که فساد به طور کلی یا فساد فی الارض یک معنای بسیار وسیع دارد که بزرگ‌ترین جنایات مانند جنایات فرعون و سایر جباران و کارهای کمتر از آن حتی گناهانی همچون کم‌فروشی و تقلب در معامله را شامل می‌شود و البته با توجه به مفهوم وسیع فساد که هر گونه خروج از حد اعتدال را شامل می‌شود، این وسعت کاملاً قابل درک است. لذا واژه فساد را خارج شدن هر چیزی از حد اعتدال و ضد صلاح معنا کرده‌اند [۶]. با این اوصاف فساد را در عرف مردم و ادبیات رسمی، سوءاستفاده از امکانات عمومی برای نفع شخصی یا گروهی تعریف و آن را به انواع و اقسام مختلفی دسته‌بندی می‌کنند؛ از فساد مالی و اقتصادی گرفته تا فساد اداری، سیاسی، آموزشی و اخلاقی. هنگامی که از فساد صحبتی به میان می‌آید مصادیقی مثل رشوه، کلاهبرداری، کم‌فروشی، فرار مالیاتی، قاچاق، اختلاس، احتکار، خویشتاوند گماری (پارتی‌بازی)، رانت‌های اطلاعاتی، لابی‌گری‌های شخصی و گروهی، تقلب‌های علمی، روابط غیر مشروع و از این قبیل مثال‌ها به ذهن متبادر می‌شود. علاوه بر این، در قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد (مصوب مورخ ۱۳۸۷/۲/۲۹)، فساد، هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمدتاً و با هدف کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیر مستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر و زیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید نظیر رشه، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت و پرداخت‌های غیر قانونی از منابع عمومی و انحراف از این منابع به سمت تخصیص‌های غیر قانونی، جعل، تخریب یا اختفای اسناد و سوابق اداری و مالی.

ویژگی‌های مشترک در مفاسد

با در نظر داشتن تعاریف مذکور، با دیدگاهی فرهنگی فصل مشترک همه این اقسام را می‌توان در چند ویژگی خلاصه کرد:

۱. ترجیح منافع شخصی بر خیر جمعی

ترجیح منفعت شخصی بر خیر جمعی را می‌توان ریشه‌ای‌ترین ویژگی فساد بر شمرد؛ جایی که افراد یا گروه‌های دارای موقعیت و مسئولیت دولتی و یا عمومی و حتی خدماتی فارغ از توجه به خیر جمعی، صرفاً سود شخصی یا گروهی خود را لحاظ می‌کنند و به صورت ناعادلانه‌ای مانع افزایش سطح بهره‌مندی سایر افراد از منابع محدود یا غیر محدود ارزشمند می‌شوند. طمع‌ورزی و تمامیت‌خواهی‌های فردی و گروهی



۵. تضييع حقوق ديگران

يکي ديگر از ويژگي‌هاي برجسته فساد، تضييع حقوق ديگران است. به بيان ديگر وقتي فساد شکل مي‌گيرد، حتماً حقوقی از ديگران ضايع شده است. در واقع استفاده انحصاری شخصی یا گروهی از امکانات عمومی ايجاد می‌کند حقوق ساير افراد نادیده گرفته شود تا منابع و امکانات عمومی به صورت انحصاری مصرف شود. زیرا فساد یا شبکه فساد اساساً حقی برای عموم مردم قائل نیست و تمام منافع را به صورت متمرکز برای خود طلب می‌کند.

۶. ترک فعل

در برخی از موقعیت‌ها، بسترهای فساد در مجموعه‌ای از ترک فعل‌هاست که رقم می‌خورد. برای مثال، در فسادهایی که به صورت شبکه‌ای انجام می‌شود، گروه‌های مختلف که در شکل‌دهی این شبکه سهیم هستند برای اینکه نقش و جایگاه خود را در شبکه حفظ و سود و منفعت خود را بالا ببرند لاجرم باید موضوعاتی را نادیده بگیرند و افعال و وظایف مربوطه را ترک کنند تا بتوانند از طرف مقابل هم در جایگاه خود امتیاز کسب کنند. از این رو ترک فعل سازمانی یا مأموریت‌های محوله و مسئولیت‌هایی که به صورت اجتماعی یا اداری بر دوش افراد است زمینه‌ساز شکل‌گیری فساد هستند.

به این ترتیب، تعریف از فساد این گونه می‌تواند باشد که «فساد فعل یا ترک فعلی آگاهانه است که توسط فرد یا افراد دارای مسئولیت، منصب یا مقام دولتی و عمومی یا شهرت و یا اقتدار خارج از موازین شرعی، رویه‌های عرفی و چارچوب‌های قانونی به صورت پنهان یا غیررسمی در جهت دسترسی ناعادلانه به امتیازها و منابع خاص بر مبنای ترجیح منافع شخصی بر خیر جمعی انجام می‌پذیرد».

در کنار ویژگی‌های مشترکی که در همه گونه‌های فساد وجود دارد، نمودها و نشانه‌هایی می‌توان یافت که بستر فرهنگی فسادآور را از غیر آن متمایز می‌کند. در ادامه برخی از آنها ارائه خواهد شد:

۳. قرائتی از پیدایش و گسترش فساد



گفته شد که ریشه‌ای‌ترین ویژگی فساد ترجیح «منافع فردی» بر «منافع جمعی» به صورت «ناعادلانه» است. از منظر فرهنگی هر یک از این ترجیحات، ارزش‌ها و هنجارهای خود را تولید و بازتولید می‌کنند. برای تهیه پاسخ مناسبی از زاویه فرهنگی به این پرسش که چگونه یک ارزش مانند خیر جمعی مغلوب یک ارزش دیگر، یعنی منفعت شخصی می‌شود و پذیرش آن گسترش می‌یابد، باید ابتدا تعریف فرهنگ ارائه شود. باید دانست که فرهنگ معانی متنوعی دارد، اما در یک تعریف دانشگاهی می‌توان گفت که بنیان فرهنگ تصورات و اندیشه‌هایی است که مشخص می‌کنند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده

■ جابه‌جایی ارزش‌ها و ضدارزش‌ها و تبدیل ضدارزش‌ها به هنجار و ارزش؛ هنجار تلقی شدن یک رفتار ناپه‌نجار و قهرمان انگاشتن فرد فاسد نزد افکار عمومی (قبح‌زدایی از فساد و ارتشا)؛

■ عدم پیگیری اهداف عمومی و معطل ماندن نیازهای عامه مردم؛ اولویت یافتن حل مسائل خرد و گروهی بر مسائل کلان و ملی در میان سیاستگذاران؛

■ غلبه رفتارهای مبتنی بر تظاهر به تبعیت از ارزش‌هایی که خیر جمعی دارند و پنهان کردن پیگیری منافع شخصی یا گروهی؛

■ عدم پذیرش نظارت دیگران (عامه مردم) و تضعیف جایگاه نظارت با تهی کردن معنا از مناصب قضاوتی و نظارتی؛

■ جایگزینی ارزش‌های منفعت‌طلبانه به جای ارزش‌های خیرخواهانه (مانند غلبه ارزش کم‌کاری به جای تلاش در ادارات)؛

■ کاهش تعهد و عدم مسئولیت‌پذیری مربوط به نواقص پیش آمده و مرتبط کردن علت پیدایش نواقص و عدم اجرای تعهدات به عوامل بیرونی؛

■ تأکید بر پیچیده کردن و ایجاد ابهام در فرایندها و چندپهلوی کردن مفاهیم برای برهم زدن ادراکات درست فرهنگی؛

■ عدم رعایت موازین شایسته‌سالاری در انتصابات در جهت ایجاد نیروهای پیرو و حامی؛

■ تضعیف جایگاه قوانین با قانون‌شکنی‌های عمدی و غلبه دادن سلاطین فردی؛

■ تأکید بر مؤلفه‌های هویتی خرد مانند قومیتی و محلی به جای هویت ملی در تصمیمات کلان؛

■ نبود یا ضعف ساختار ذهنی و عینی مناسب برای مجازات مفسد؛ نه مجازات غیررسمی (اعتراض مردم) و نه مجازات رسمی (در دادگاه‌های انتظامی و قضایی)؛

■ بی‌تفاوتی، تسلیم شدن و اعتراض نکردن مردم به موارد فساد مشهود؛

■ از دید شکایات و اعتراضات بین مردم نسبت به یکدیگر پیرامون تضييع حقوق خود.

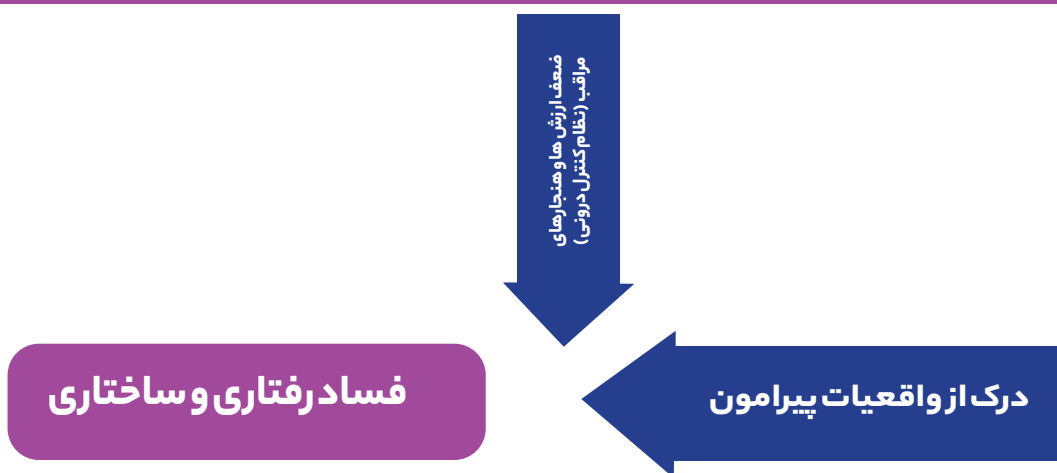
است. این تصورات انتزاعی یا ارزش‌ها به افراد در تعامل با دنیای اجتماعی معنا می‌دهد و آن را هدایت می‌کند. همچنین هنجارها، قواعدی برای رفتار هستند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند، در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی شکل می‌دهند. [۷]. شایان ذکر است که اگرچه فرهنگ امری جمعی است و از دل اجتماع برمی‌آید، اما از مجموع افراد است که جمع یا اجتماع شکل می‌گیرد. لذا توجه به فرد و ویژگی‌های فرهنگی او برای تحلیل یک فرهنگ می‌تواند مؤثر باشد.

خاستگاه تصورات و اندیشه‌ها ذهن انسان است که برخی را به صورت

یا برچسب انسان موفق در میان افراد پیرامونی خود، خواهد شد. در خلأ ارزش‌ها و هنجارهای مراقب (مانند ارزش‌هایی چون حفظ نظام سیاسی و مصالح آن) یا ضعف نظام کنترل درونی (مانند وجدان، اخلاق، تقوا و...)، این درک می‌تواند حتی به معنای خودخواهی مطلق مبدل شود. از منظر نظری می‌توان گفت که «درک از واقعیات پیرامون» به عنوان متغیر اصلی با واسطه «ضعف ارزش‌ها و هنجارهای مراقب (نظام کنترل درونی)» بر فساد رفتاری به عنوان متغیر وابسته تأثیر گذار است. شکل زیر این رابطه را ترسیم کرده است.

فطری درک می‌کند و برخی را در ارتباط با روایت‌های پیرامون خود بدان‌ها شکل می‌دهد. از نظر علوم انسانی درک از واقعیات اهمیت ویژه‌ای برای انسان دارد. زیرا نحوه و میزان درک از واقعیات بر تصمیمات و جهت‌گیری‌های زندگی افراد تأثیر گذار است. اگر مبانی و پایه‌های ارزشی و هنجاری قدرتمند و درستی پیرامون افراد باشد به همان میزان درک درستی از واقعیات حاصل می‌شود. برای مثال اگر ارزش‌های ترقی‌فردی یا مبنای موفقیت یک فرد در زندگی با ارزش‌های مبتنی بر ثروت بیشتر تعریف و از سوی اجتماع نیز پذیرفته و ترویج شود، درک آن فرد از واقعیات، کسب هر چه بیشتر ثروت از هر طریقی برای دریافت صفت

شکل ۱. ارتباط متغیرهای اصلی و واسطه‌ای فرهنگی در پیدایش فساد



درونی‌سازی مفاهیم و ادراکات خود می‌روند و به این باور خواهند رسید که باید در هر شرایطی منافع خود را از هر طریقی به دست آورد. آنها در واقع در پی پاسخ به انتظارات نهادینه شده‌ای هستند که پیرامون آنها شکل گرفته است؛ مانند، تلاش برای کسب موفقیت و برتری نسبت به دیگران و اثبات خود به عنوان یک انسان موفق. این افراد در این موقعیت به سمت ایجاد یک نظریه برای تصمیمات خود خواهند رفت و در یک توافق نانوشته‌ای تأکید خواهند کرد که: همان‌گونه که همه در حال کسب منافع خود هستند و کسی به منافع من توجه نمی‌کند پس من هم باید به منافع خود از هر طریقی به رسم و منافع دیگران اهمیتی ندارد. این امر نهاد فساد را در ذهن پایه‌گذاری می‌کند و چارچوب روابط فرد با دیگران را مبتنی بر تأمین منافع فردی شکل خواهد داد. مجموعه‌ای از افراد با چنین رویکردی گروه‌های هم‌راستا را تشکیل داده و به سمت فراهم آوردن ابزارهای مورد نیاز می‌روند. این افراد حتی به سمت تلاش برای رسمیت بخشیدن به این ابزارها از طریق قوانین خواهند رفت. به این ترتیب ساز و کارهای مناسب برای فساد در یک ساختار عملیاتی شکل می‌گیرد. در چنین وضعیتی هر فردی وارد ساختار فاسد شود ممکن است به مرور زمان خود نیز دچار فساد شود. بدین گونه ارزش‌ها و هنجارهای فسادآلود باز تولید و تکثیر می‌شوند.

اگرچه در چنین شرایطی کار برای افراد سالم دشوار خواهد بود، اما

عوامل مختلفی بر درک انسان از واقعیات تأثیر گذار است. برخی درونی و مربوط به خود فرد هستند؛ مانند شخصیت فردی و اجتماعی، باورها و اعتقادات، سطح آگاهی، انتظارات فرد، درک و احساس نسبت به عدالت یا بی‌عدالتی، احساس نسبت به تبعیض، جایگاه اجتماعی و مانند آنها و برخی بیرون از فرد و مرتبط با محیط او؛ مانند تربیت خانوادگی، ارتباطات و حلقه‌های اجتماعی، فرهنگ سازمانی، خرد فرهنگ‌های پیرامونی، آثار رسانه‌ای و مانند آنها.

جنبه دیگری از درک واقعیات‌ها که در اینجا باید از منظر فرهنگی بدان توجه شود این است که ادراک افراد از امر فساد نیز می‌تواند بر گسترش فساد تأثیر گذار باشد. زیرا تصور فرد از وضعیت فساد و مصادیق آن، ادراک او را از واقعیت فساد در جامعه شکل می‌دهد. این امر با آگاهی عمومی از مفاسد، شکل گسترده‌ای به خود گرفته است. اگر فردی به این درک برسد که در شرایطی که افراد بسیاری از قدرت و منابع عمومی برای منافع شخصی خود سوءاستفاده می‌کنند، ممکن است خود نیز در مسیر اقدام به فساد قرار گیرد. هر چند ادراک فساد به تنهایی نمی‌تواند منجر به ایجاد فساد شود، اما در تغییر هنجارهای یک فرد نسبت به فساد مؤثر خواهد بود.

به این ترتیب، چنین درکی از واقعیات اگر به صورت گسترده در مجموعه‌ای از افراد شکل بگیرد، به صورت فردی یا جمعی به سمت



شده، اما هیچ‌گاه باعث از بین رفتن فساد در جوامع انسانی نشده است. این امر نشان می‌دهد سیستم پیدایش و گسترش فساد بسیار پویاست و دچار اضمحلال نخواهد شد مگر با اراده الهی. توضیحات ارائه شده را در چارچوب نظری زیر می‌توان خلاصه کرده و نشان داد. در واقع این چارچوب یک صورت‌بندی فرضی یا به عبارتی مفروض‌های این گزارش از گسترش فساد می‌باشد.

از آنجایی که فطرت انسانی بر حق‌طلبی و تبعیت از حق تأکید خواهد کرد و عقل جمعی نسبت به مطلوبیت بلندمدت خیر جمعی پی خواهد برد، مقاومت اجتماعی شکل گرفته و مبارزه با فساد انجام خواهد شد. تاریخ بشریت سرشار از مقاومت‌ها و تلاش‌های کوچک و بزرگ اجتماعی در برابر فساد است. حتی در قرآن کریم هم نمونه‌هایی از فسادهای گسترده ذکر شده که با قهر الهی از بین رفتند.^۱ این مبارزات اگر چه در طول تاریخ تداوم داشته و موفقیت‌هایی حاصل

شکل ۲. چارچوبی فرضی از گسترش و پویایی سیستم فساد



هنجارهای حمایت از مظلوم و مقابله با ظلم، نوع دوستی و کمک به نیازمند، کار و تلاش برای دستیابی به هدف و مانند آنها باعث شکل‌گیری عدم احساس امنیت، نابرابری اجتماعی، کاهش امید به زندگی، ناخشنودی اجتماعی، بدبینی اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، بی‌اعتمادی، انومی فردی، کاهش دینداری و ناسازگاری منزلتی می‌شود که خود زمینه‌هایی برای شکل‌گیری فساد به‌شمار می‌آیند. مقام معظم رهبری نیز در تأکید بر چنین زمینه‌ای فرموده‌اند: «من می‌خواهم این فرهنگ در جامعه رشد کند: فرهنگ ارتباط درآمد با کار. خیلی از این تبعیض‌ها، خیلی از این کارهای تجملاتی، خیلی از این ثروت‌های مضر که آثار فسادش را انسان در جامعه می‌بیند و کسانی مصداق «مُتَرَفین» در جامعه هستند که در قرآن ذکر شده‌اند. خیلی از اینها ناشی از همین است که ارتباط درآمد و سود و بهره با کار قطع شده؛ کار نیست، [اما] درآمد هست؛ این نمی‌شود؛ درآمد باید ناشی از کار باشد» [۸].

۴. عوامل بروز انواع فساد در جامعه



عوامل پیدایش فساد می‌تواند طیف گسترده‌ای داشته باشد، اما در این نوشتار به مهم‌ترین عوامل بروز فساد در جامعه اشاره خواهد شد. ارائه عوامل بر مبنای دو بُعد درونی و بیرونی آنها خواهد بود. عوامل درونی بر فرد به‌عنوان یک عامل اصلی در پیدایش و انجام فساد در نظر گرفته شده و عوامل بیرونی معطوف به ساختارها و عوامل پیرامون یک فرد است که بر گرایش و تصمیم او برای فساد مؤثر خواهند بود.

الف) عوامل فردی و درونی

■ **تضعیف برخی از ارزش‌ها و هنجارهای پایه:** برخی از ارزش‌های فرهنگ در جایگاه مبنایی، اصیل و پایه‌ای قرار داشته و مبنای شکل‌گیری جامعه سالم و اصول اخلاقی را تشکیل می‌دهند. نادیده گرفته شدن فرهنگ شایسته‌سالاری، مؤلفه‌های فرهنگی پیونددهنده اجتماع و ایجاد هم‌بستگی ملی، هنجارهای منع‌کننده از تبعیض و نابرابری، ارزش‌ها و

۱. مانند آنچه بر اقوام لوط، عاد و ثمود رفته است.

اجتماعی سیستم است که البته در رابطه رفت و برگشتی علت و معلولی با یکدیگر هستند. تأثیرات این امر در اعتماد به یکدیگر و به دولت برای عدالت و خیرخواهی جمعی و بر کاهش مشارکت مردم در امور اجتماعی قابل توجه است. فردی که سرمایه اجتماعی خود را از دست داده و اعتماد او از دیگران سلب شده باشد، تصمیماتی خلاف جمع خواهد گرفت.

■ غلبه رویکرد مادی گرایی و مصرف گرایی بی رویه و تحت الشعاع قرار دادن معنویات و ابعاد اخلاقی: نگرانی‌های حاصل از فشار اقتصادی گرایش رو به افزایشی برای در اختیار داشتن کالاها و برخورداری از خدمات رفاهی به وجود آورده است. غالب این گرایش‌ها فراتر از نیازهای واقعی است. به عبارتی برخی از نیازهای مطالبه شده ناشی از عوامل روانی مصرف است نه رفع نیازهایی که اگر برطرف نشوند زندگی فرد را با مشکل مواجه کند. فردی که در رقابت با دیگران برای بهره‌مندی بیشتر از خدمات و امکانات است، تمام ابزارهای مشروع و نامشروع را برای رسیدن به هدف خود به کار خواهد گرفت و اگر در جایگاه یا موقعیتی باشد که اختیار توزیع منافع را برای عموم داشته باشد ممکن است در تصمیمات خود به نفع خویش عمل کرده و حقوق دیگران را نادیده بگیرد.

ب) عوامل ساختاری و بیرونی

■ انحصار منابع و موقعیت‌های اجتماعی - فرهنگی: یکی از عوامل مهم در بروز فساد در جامعه انحصار در منابع، موقعیت‌ها، نقش‌ها و حتی مسئولیت اجتماعی است. به عبارتی وقتی مردم یک جامعه در برابر موقعیت‌های مختلف اجتماعی به یک مصرف‌کننده تبدیل می‌شوند، در مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی و حتی در تولید معنا و انتقال فرهنگ نیز کمتر جایگاهی دارند. در چنین شرایطی که مردم حضور کمتری دارند، فساد بروز و رشد می‌کند. به‌طور مشخص می‌توان به برخی انحصارهای مدیریتی در دست گروه‌ها و افرادی ثابت اشاره داشت. این انحصار در دو دسته جامعه‌نخبگانی و عموم جامعه تولید فساد می‌کند.

■ ضعف نهادهای اجتماعی فرهنگ‌ساز: در میان نهادهای اجتماعی تأثیرگذار در جوامع و به‌صورت خاص جامعه ایرانی که بر فرایندهای فرهنگی و اجتماعی در ادوار مختلف تأثیرگذار بوده‌اند، نهاد خانواده نقش بسیار مهمی داشته است. نهاد خانواده برای تأثیرگذاری بر فرهنگ‌سازی کارکردهای بسیار متنوع و گسترده‌ای دارد. این نهاد برخلاف سابق، در سال‌های اخیر دچار ضعف در کارکردهای مربوط به فرهنگ‌سازی شده است. به عبارتی این نهاد نه تنها در انتقال و مراقبت از ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی کارکرد مؤثر ندارد، بلکه در توانمندسازی افراد و ایجاد هنجارهای مراقب نیز کم‌اثر شده است. در کنار این دو نهاد باید به نهاد آموزش هم اشاره شود که کارکردهای خود را در بازتولید و تقویت ارزش‌ها و هنجارهای اصیل از دست داده است. امروزه فضای مجازی تا حدود قابل توجهی جایگزین این دو نهاد شده که برای جامعه و به‌صورت خاص نوجوانان و جوانان تولید معنا می‌کند. این در حالی است که یکی

■ ضعف هویت: یکی از عوامل مهم در بروز و شیوع انواع فسادها در جامعه، فقر هویتی است. به عبارتی عدم اتصال ذهنی فرد به پشتوانه و ریشه‌های هویتی محکم از قبیل اصالت دینی و یا اجتماعی که او را در وضعیت گمنامی قرار می‌دهد. به عبارتی هویت یک عامل مهم در مولد بودن جامعه در عرصه‌های مختلف است و نقش بازدارندگی در بروز رفتارهای ناهنجار دارد.

■ کمبود سواد و آگاهی‌های عمومی: بخش مهمی از انواع فسادها ناشی از کمبود یا نبود سواد و آگاهی‌های عمومی درباره فساد و مقابله با آن است؛ در مقولاتی مانند قبح و کراهت فسادها و آثار میان و بلندمدت فرهنگی و اجتماعی اقدام به فساد. آگاهی بخشی مبتنی بر انتقال معنا به جامعه است، البته استفاده از ابزارهای انتقال معنا در جامعه با توجه به گسترش آگاهی‌های کاذب در جوامع بسیار حائز اهمیت است.

■ کاهش امکان پیش‌بینی آینده (غلبه رویکردهای کوتاه‌مدت بر بلندمدت): یکی از مشکلات جدی فرهنگی که آثار آن در ابعاد مختلف زندگی به‌صورت اضطراب بروز می‌کند را باید کاهش امکان پیش‌بینی آینده زندگی دانست. جامعه ایرانی به دلیل تجربه تاریخی خود که همواره مورد تاخت‌وتاز بیگانگان قرار گرفته و بی‌ثباتی‌های سیاسی و اقتصادی را مشاهده کرده، دچار یک نگرانی تاریخی نسبت به وضعیت آینده شده است. به دلایل بسیار متعددی در این دوره تاریخی هم به‌مانند گذشته عامه مردم برای تأمین منافع شخصی خود در حال رقابت با یکدیگرند؛ هجوم به بازارهای ارز، طلا، سکه، مسکن، زمین و... همه نشانه‌هایی از این نگرانی تاریخی هستند. بر این اساس افراد ترجیح می‌دهند منافع کوتاه‌مدت خود را به هر شکلی که می‌توانند تأمین کنند و از این غافل می‌شوند که در بلندمدت با این رویه منفعت و خیر جمعی حاصل نمی‌شود. غلبه نگرش کوتاه‌مدت نسبت به مسائل در میان افراد یک جامعه، زمینه‌ساز ایجاد و بروز فساد است و از آنجایی که امکان دارد افراد جامعه چشم‌انداز یا هدف روشنی برای آینده خود متصور نباشند، ارزش خیر جمعی در میان آنان کم‌رنگ شده و برای رسیدن به اهداف کوتاه‌مدت خود بر تحقق منافع شخصی متمرکز می‌شوند.

■ انتقال ناقص ارزش‌های فرهنگی به نسل‌های آینده: فرهنگ که مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارها و پیوند سنت و نوخواهی می‌باشد، میان انسان‌ها از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. اگر میان آنچه نسل‌های گذشته بدان باور داشتند و آنچه نسل‌های جدید باور دارند، تفاوت بسیاری وجود داشته باشد، انتقال فرهنگ به درستی صورت نگرفته است. این موضوع می‌تواند ناشی از عدم برنامه‌ریزی برای انتقال فرهنگ و همچنین عدم استفاده از ابزارهای نوین انتقال فرهنگ باشد که در نهایت منجر به انحراف از نظام ارزشی جامعه خواهد شد. اگر فرد پیوند درستی با گذشته فرهنگی خود نداشته باشد، در خلأ یک پشتوانه فرهنگی محکم به سمت جایگزین‌های خودخواهانه‌تر گرایش می‌یابد.

■ کاهش سرمایه اجتماعی: یکی از عوامل مهم در رشد فساد در جامعه کاهش سرمایه اجتماعی افراد و همچنین کاهش سرمایه



از مهم‌ترین وظایف دستگاه‌های فرهنگی را باید در نقش آفرینی آنها در تولید محتواهای فرهنگی مناسب بدانیم که منجر به امر فرهنگ‌سازی شود.

■ **عدم شفافیت:** یکی دیگر از عوامل مهم در فساد ابهام در نقش‌ها و تکالیف قانونی است که منجر به ارائه عملکردهای کلی و مبهم و دور از واقع می‌شود. این وضعیت خود تولیدکننده فضای فکری مشوش و ابهام‌زا برای عموم مردم به‌عنوان بستر فرهنگ عمومی است. همچنین عدم شفافیت در توزیع عادلانه منابع و بهره‌مندی عمومی از امتیازاتی که در اختیار دولت قرار دارد، هم می‌تواند ذهنیت منفی برای عامه مردم نسبت به عملکرد مسئولان ایجاد کند. از سوی دیگر وجود مصونیت‌های غیررسمی برای مسئولان و منسوبین نه تنها منجر به فساد آنها می‌شود، بلکه ادراک فساد مسئولان را در میان مردم بالا می‌برد و امکان گسترش فساد در عرصه‌های مختلف اجتماعی را رقم خواهد زد. به عبارتی مردم در صورت مشاهده فساد از سوی مسئولان و یا احساس فساد مسئولان در عرصه‌های کنشگری، خود دست به فساد و انحراف هنجاری خواهند زد.

■ **تبعیض در توزیع منابع:** یکی دیگر از موارد مهم، تبعیض در توزیع منابع موجود در جامعه است که منجر به فساد می‌شود. به عبارتی افراد در شرایطی که احساس خدشه‌دار شدن عدالت اجتماعی و تضییع حقوق خود را داشته باشند، رفتار خود را در راستای جبران این تضییع قرار می‌دهند و در حالت‌های جدی به فساد منجر می‌شود.

■ **پرداخت نامتوازن به افشا و بر خورد با فساد:** نخستین خطای انسانی آخرین خطای او نخواهد بود، مگر آنکه هزینه‌ای که برای آن پرداخت می‌کند آن قدر سنگین باشد که مانع تکرار آن شود. متأسفانه در سال‌های اخیر با وجود کشف فسادهایی که انجام پذیرفته و در سطح گسترده‌ای اطلاع‌رسانی شده و آگاهی عمومی از حجم فساد بالا رفته، اما بازنمایی رسانه‌ای مناسبی از برخورد فضایی با مصادیق فساد چندان فراگیر نبوده است. این امر چنین به ذهن تبادر شده که عزم و اراده سیاسی و قانونی جدی و محکمی برای برخورد با فساد وجود ندارد.

■ **مشی و عملکرد نامناسب برخی از مسئولان:** روحیه کمال‌طلبی و آرمان‌خواهی انرژی اصلی برای حرکت و پویایی یک جامعه به‌شمار می‌آید. لذا مردم از مسئولان امور انتظار دارند در حل و فصل امور با جدیت و تلاش بیشتر اقدام کنند. معطل ماندن برخی پروژه‌ها و طرح‌های ملی، تشدید مسائل و مشکلاتی مانند آلودگی هوا و کمبود آب نمونه‌هایی از عملکرد نامناسب مسئولان در ذهن عموم برشمرده می‌شود که باور عمومی را نسبت به کارآمدی آنها دچار خدشه کرده و امیدواری تبدیل به ناامیدی می‌گردد.

■ **حمایت ناکافی از افشاکنندگان فساد:** یک تصور عمومی نسبت به افشای فساد در جامعه وجود دارد که افشاکنندگان فساد را دچار چالش ذهنی می‌کند. این تصور با ریشه تاریخی اختلاف میان فرهنگ رسمی

(با نمایندگی دولت) و غیررسمی (با نمایندگی عامه مردم)، بر این باور تأکید دارد که فاسد، حق خود را از دولت گرفته و هر کس که می‌تواند باید حق خود را بگیرد. این نگاه که تفاوت تعریف از مفسد و فساد را در میان دولت و مردم به‌همراه دارد، باعث می‌شود امکان افشا کردن ضعیف شود و افراد افشاکننده نیز از سوی بخشی از افکار عمومی بر چسب همکاری با دولت بگیرند. چنین امری خود موجب به‌وجود آمدن شکاف ادراکی و عینی میان حاکمیت و مردم در خصوص برقراری عدالت و مقابله با فساد و شیوه مواجهه افراد با مقوله و مصادیق فساد دارد، البته در کنار این امر باید به مسئله نیات افشاکنندگان و آثار بعدی آن نیز توجه کرد. لذا این موضوع نیازمند ساز و کاری دقیق و اثرگذار می‌باشد. با این حال، در کنار ضعف حمایت‌های اجتماعی از افشاکنندگان فساد، ساز و کار دولت برای حمایت از افشاکنندگان فساد از قوت لازم برخوردار نبوده و طرح مجلس برای این منظور هنوز به قانون تبدیل نشده است.^۱

■ **نظارت ناکارآمد بر تولید و عرضه آثار فرهنگی:** در فضایی که تغییرات فرهنگی با راهبری فضاهای مجازی، همراه با ضعف جدی رسانه‌های سنتی رو به افزایش است، توان نظارتی دولت بر محتواهای فرهنگی ضعیف شده است. بسترهایی نظیر سکوها‌های عرضه محتوا در فضای مجازی (نظیر اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی مانند تلگرام و توئیتر) به اشکال مختلفی ارزش‌ها و هنجارهای موجود را به چالش کشیده و جایگزین آن را ترویج می‌کنند. این جایگزینی در طول تاریخ انقلاب اسلامی ثابت کرده که به فرهنگ کشور رویکرد تهاجمی دارد (از این رو مقام معظم رهبری از آن با عناوینی چون تهاجم فرهنگی و یا شیخون فرهنگی یاد می‌کنند). فقدان برنامه‌ریزی مناسب در برابر هجمه‌های فرهنگی، جنگ ترکیبی، نقش پررنگ رسانه‌های خارجی و تأثیرات آن در هنجارهای فرهنگی و کاهش مرجعیت و اعتماد عمومی به رسانه‌های داخلی عاملی بر ناکارآمدی سیستم مدیریت و نظارت فرهنگی به‌شمار می‌آید.

■ **ضعف متولیان فرهنگی:** از سوی دولت متولیان متنوعی برای فعالیت‌های فرهنگی در نظر گرفته شده است. بخشی از آنها مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی و وزارت میراث فرهنگی و گردشگری وظایف مصرح قانونی برایشان در نظر گرفته شده است. برخی دیگر نیز با آنکه وظیفه مصرح فرهنگی ندارند، لکن جنس فعالیت آنها فرهنگی است و تأثیرات مستقیمی بر فرهنگ دارند؛ مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و... بسیاری از وظایفی که برای این دستگاه‌ها برای فرهنگ‌سازی با استفاده از ابزارهای نظارتی و حمایتی در نظر گرفته شده، بنابه دلایل متعددی به سرانجام مطلوب نمی‌رسد. به عبارتی برنامه‌هایی که این دستگاه‌ها از بابت اجرای آن اعتبار

۱. «طرح حمایت از گزارشگران فساد» (با شماره ثبت ۲۱۶) که در تاریخ ۲۷ فروردین‌ماه سال ۱۴۰۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده بود، با ایرادهایی از سوی شورای نگهبان مواجه و در تاریخ ۲۲ خردادماه سال ۱۴۰۲ پس از رفع ایرادها به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و مجدد برای بررسی و اعلام‌نظر شورای محترم نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان اغلب ایرادها را مرتفع دانست، اما دو ابهام، یک تذکر و یک مغایرت همچنان باقی مانده است.

فرهنگی مناسب، خود عاملی بر شکل‌گیری رویکردهای فردگرایانه شده‌اند و بر ارزش‌مندی و مطلوبیت غلبه منافع شخصی بر خیر جمعی اثرگذار بوده‌اند. برای مثال ساخت و نحوه اسکان افراد در مسکن مهر هیچ سنخیتی با ویژگی‌های زندگی جمعی و فرهنگی ایرانیان ندارد و هویت‌های جمعی مسجدمحور، محله‌محور یا منطقه‌محور را بازتولید نمی‌کند.

دریافت می‌کنند، به دلایل مختلفی نظیر عدم درک سیاست‌ها از سوی مجریان، بروز نبودن برنامه‌ها و عدم پیوند میان راهبردها و راهکارها و غیره تأثیر چندانی بر پیشبرد فرهنگ عامه مردم ندارند. ■ **ساختارها و فرایندهای توسعه‌ای:** بسیاری از تصمیمات، طرح‌ها و پروژه‌هایی که طی سالیان اخیر در کشور در چارچوب توسعه اجرا شده‌اند، به دلیل کم‌توجهی به آثار فرهنگی و اجتماعی آن و نبود پیوست

۵. سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای فرهنگی مقابله با فساد



منصرف می‌شوند و بدین ترتیب، از بازتولید فساد جلوگیری خواهد شد. به بیان دیگر، ایجاد حساسیت و دغدغه‌مندی نسبت به مسئله فساد و مظاهر آن در فرهنگ عمومی جامعه، شکل‌گیری و بروز هنجارها و کنش‌های تنظیم‌گرانه برای کنترل فساد را در سطح جامعه در پی خواهد داشت.

۱-۳. تقویت شفافیت با تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی در نظارت همگانی: پنهان‌کاری و پرده‌پوشی نهفته در اقدامات مفسدانه ایجاب می‌کند که زمینه‌ها و ساز و کارهای فسادانگیز، به‌طور هدفمندی شفاف شوند. در راستای تقویت شفافیت و تحقق هرچه بیشتر نظارت همگانی، لازم است به استفاده از ظرفیت‌های مردمی در این زمینه، توجه ویژه‌ای شود تا بتوان با گستره و سرعت بیشتری به شناسایی و مقابله با فساد پرداخت. البته شایان ذکر است به منظور مبتلانشدن به ضد کارکردهایی که به شیوع یا قبح‌زدایی از فساد می‌انجامند، باید در جاری ساختن اصل شفافیت به ملاحظات و مصالح گوناگون اخلاقی، تربیتی، فرهنگی، سیاسی و... توجه داشت.

۲. تقویت جایگاه و کارکرد نهادهای فرهنگی و رسانه‌ای: نهادها و سازمان‌های فرهنگی و رسانه‌ای به تناسب جایگاهشان در عرصه عمومی و نیز حوزه مسئولیت و تأثیرگذاری‌شان در عرصه‌های فرهنگی و نحوه عملکردشان در باز‌نمایی و برساخت رسانه‌ای مسائل، می‌توانند در شکل‌گیری، ترویج یا مقابله با فساد بسیار تعیین‌کننده باشند. جایگاه و عملکرد دستگاه‌های فرهنگی در عرصه فرهنگ‌سازی و نیز دستگاه‌های رسانه‌ای در عرصه شکل‌گیری ادراک نسبت به فساد و باز‌نمایی آن، تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری، بروز و ترویج فساد و اعمال مفسدانه در فرهنگ عمومی جامعه دارد.

راهبردها:

۱-۲. الگوسازی از شخصیت‌های مقابله با فساد: قهرمانان و اسطوره‌ها، به‌عنوان قله‌های فضائل و ارزش‌مداری، نقشی اساسی در هویت‌بخشی و ارتقای فرهنگ عمومی جامعه ایفا می‌کنند. در این راستا، الگوسازی از شخصیت‌های شاخص در عرصه مبارزه با فساد و نیز برجسته‌سازی ابعاد فسادستیزانه قهرمانان و اسطوره‌های دینی و ملی،

با توجه به مباحثی که مطرح شد برای مقابله با فساد پیشنهادهایی از منظر فرهنگی ارائه می‌شود. این پیشنهادها در سه سطح سیاست‌ها، راهبردها و راهکارها خواهد بود و غالباً مبتنی بر وظایف مجلس شورای اسلامی (تقنین و نظارت) است. در ابتدا ابعاد سیاست‌ها و راهبردها طرح خواهد شد و پس از آن راهکارها ارائه می‌شود.

الف) سیاست‌ها و راهبردها

سیاست ۱. احیا و نهادینه‌سازی امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ عمومی:

امر به معروف و نهی از منکر هم به‌عنوان یک فریضه دینی و هم به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی، نظارت و خیرخواهی عمومی را تقویت کرده و نظام ارزشی و هنجاری جامعه را به‌سوی ترجیح خیر عمومی بر منفعت شخصی سوق می‌دهد. با توجه به وضعیت کنونی، نیاز است با استفاده از ظرفیت‌های مردمی و بومی هر منطقه ابتدا مصادیق و شیوه‌های گوناگون امر به معروف و نهی از منکر را معرفی و ترویج و به‌مرور آن را به قالبی برای رعایت بایدها و نبایدهای جامعه تبدیل کرد.

راهبردها:

۱-۱. افزایش مسئولیت‌پذیری و وظیفه‌شناسی جمعی: با توجه به اینکه فساد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تمامی افراد جامعه تأثیرگذار است، مقابله و مبارزه با فساد یک مسئولیت همگانی است. از سوی دیگر، یکی از لوازم بهره‌مندی حداکثری از ظرفیت‌های مردمی در این مسیر، تبدیل این امر به یک واجب همگانی (در بستر عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر) و نیز یک وظیفه شهروندی (در بستر التزام به حقوق عمومی و شهروندی) است. به این منظور، نهادینه‌سازی ارزش فسادستیزی در قالب یک مسئولیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز برقراری اصل مقابله با فساد در فرهنگ عمومی جامعه باشد.

۱-۲. افزایش فشارهای جمعی (اجتماعی) نسبت به اقدام مفسدانه: در صورتی که نظام ارزشی و هنجاری حاکم بر جامعه به‌گونه‌ای باشد که اقدام‌کنندگان به فساد با هزینه‌ها و محدودیت‌های اجتماعی برجسته و بازدارنده‌ای (از قبیل تذکر، شمتات، ملامت، طرد و کاهش منزلت) روبرو شوند، از تکرار و تداوم کنش‌های مفسدانه خود



است. در صورتی که افراد اصالت هویتی خود را بر جمع بزرگ‌تری مبتنی کنند، منافع آن جمع بزرگ‌تر بر منافع شخصی، خرد و انحصارگرایانه ارجحیت یافته و زمینه بروز فساد کاهش می‌یابد. بنابراین، به‌منظور نهادینه‌سازی ارزش ترجیح منافع همگانی و خیر جمعی بر منافع شخصی و خواسته‌های گروهی، تقویت مؤلفه‌های هویت جمعی می‌تواند راهگشا باشد.

۳-۲. ارتقای شأن و جایگاه قانون و پایبندی به آن: احترام به قوانین مستقر در جامعه به‌صرف قانون‌بودنشان و فارغ از محتوای آن‌ها، عاملی اساسی در چارچوب‌دهی به کنش‌های افراد در جامعه است. در واقع، پرورش و تقویت «قانون‌مداری» به‌عنوان یک ارزش محوری در فرهنگ عمومی جامعه می‌تواند مانع از شکل‌گیری بسیاری از اقدامات مفسدانه باشد، البته این راهبرد نباید صرفاً ناظر به شهروندان یا عامه مردم باشد، بلکه دستگاه‌ها و نهادهای مجری قانون نیز باید با بهبود سازوکارهای اجرایی و نظارتی خود و پافشاری بر حاکمیت قانون، به‌عنوان الگوی احیاگر شأن و استحکام جایگاه قانون در سطح جامعه باشند.

۳-۳. ترویج فرهنگ کار و تلاش: در راستای تضعیف روحیه تنبلی و رخوت و در مقابل، تقویت روحیه تلاشگری در فرهنگ عمومی جامعه، چارچوب‌ها و سازوکارهای اجتماعی باید به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم شوند که افراد پر تلاش و با پشتکار مورد تشویق و تمجید قرار گرفته و افراد کم‌تلاش یا تنبل با قرار گرفتن در شرایطی تنبیه‌آمیز و بازدارنده، به کار و تلاش بیشتر ترغیب شوند. در صورتی که شرایط پیش‌گفته، برعکس بوده یا میان فرد تلاشگر و کم‌تلاش تفاوت چندانی وجود نداشته باشد، روحیه تلاشگری کم‌رنگ شده و روحیه تنبلی و رخوت باز تولید و گسترش خواهد یافت.

سیاست ۴. اصلاح ساختارها و فرایندها:

ساختارها و فرایندهای خرد و کلان حاکم بر مناسبات گوناگون جامعه، افراد و گروه‌ها را در شرایط و اقتضائات خاصی قرار می‌دهند که می‌تواند از لحاظ ارزشی، ادراکی، هنجاری و کنشی مؤثر بوده و بر شکل‌گیری و تغییر فرهنگ مقابله با فساد تأثیر مستقیم داشته باشد. در این راستا، تغییر و اصلاح ساختارها، فرایندها، زمینه‌ها، سازوکارهای گوناگونی که ممکن است در حیطه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مستقر باشند، می‌تواند به تقویت فسادستیزی در فرهنگ عمومی جامعه منجر شود.

راهبردها:

۴-۱. نوع‌بخشی به شکل‌های مشارکت مردمی در امور حکمرانی برای افزایش اعتماد میان حاکمیت و مردم: باتوجه به لزوم مشارکت عمومی در امور حکمرانی و به‌صورت خاص مقابله با فساد لازم است در ابتدا ادراک مشترک میان حاکمیت و مردم در خصوص برقراری عدالت و مقابله با فساد شکل بگیرد. بدین‌منظور نیاز است با

می‌تواند تقویت‌کننده و ترویج‌دهنده ارزش فسادستیزی در فرهنگ عمومی جامعه باشد. چنین سیاستی، افزون بر ارتقای نظام ارزشی افراد جامعه در جهت فسادستیزی، انگیزه‌بخش آنان در مبارزه با فساد است.

۲-۲. متوازن‌سازی پرداختن به افشا و برخورد با فساد: رسانه‌ها در قبال فساد، کارکردی دوگانه دارند. به این معنا که تأکید بیش از حد بر گزارشگری فسادهای صورت‌گرفته، ارائه بازنمایی‌های جذاب و مشوق از اعمال مفسدانه و اشخاص فاسد، برجسته‌سازی و پُرآلودیت جلوه‌دادن فسادهای جزئی و کم‌بسامد، نمایش ترویج‌گونه شیوه‌ها و جزییات اجرایی انجام فساد و مواردی از این دست، خود می‌تواند به ترویج فساد و قبح‌زدایی از آن منجر شود. در مقابل، تمرکز بر پوشش رسانه‌ای موارد موفقیت‌آمیز و نتیجه‌بخش برخورد و مبارزه با فساد، ارائه بازنمایی‌های بازدارنده و عبرت‌آموز از اعمال مفسدانه و اشخاص فاسد، تبلیغ الگوهای شاخص و آموزش شیوه‌های مؤثر مقابله و مبارزه با فساد و... می‌تواند بر ادراک افکار عمومی از فساد در بخش‌های مختلف جامعه و نیز افزایش دغدغه‌مندی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نسبت به فساد، تأثیر مثبت و سازنده داشته باشد.

۲-۳. رعایت ملاحظات اخلاقی و مصالح عمومی: در پرداختن به فساد و در مسیر مقابله با آن باید اقتضائات و ظرایف گوناگونی را در نظر داشت تا خود مقابله و مبارزه با فساد پیامدهای ضد ارزشی و ضد کارکردی نداشته باشد. از این‌رو لازم است با شناسایی، اولویت‌دهی و صورت‌بندی این ملاحظات، چارچوب‌های معینی برای اقدامات اجرایی مقابله با فساد به‌خصوص در بسترهای رسانه‌ای طراحی و تعبیه کرد. به‌طور مشخص توجه ویژه به اقتضائات اخلاقی مربوط به اشاعه فحشا و نیز مصالح عمومی مربوط به حفظ نظام حائز اهمیت است.

سیاست ۳. تقویت نظام ارزشی حاکم بر فرد و جامعه:

نظام ارزشی افراد به‌عنوان سخت‌هسته کنشگری اجتماعی و پایه نظام گرایشی و کنشی آنان، نقش بسیار مهم و اساسی در نوع مواجهه با مقوله فساد دارد. هرچه ارزش‌های حق‌مدارانه، عدالت‌طلبانه، فرجام‌اندیشانه، جمع‌گرایانه، ایثارگرایانه و... در نظام ارزشی افراد پررنگ‌تر و ریشه‌دارتر باشد، تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای صورت‌گرفته در سطح جامعه فاصله بیشتری از فساد می‌گیرند. بر این اساس، تقویت مبانی فطری و دینی نظام ارزشی افراد می‌تواند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، فرهنگ عمومی جامعه را به سمت تقوا و پرهیز از مفسده، توصیه به یکدیگر، تشخیص خیر جمعی از منفعت فردی و گروهی و البته فسادستیزی در تمامی ابعاد زیست فردی و اجتماعی رهنمون سازد.

راهبردها:

۳-۱. تقویت مؤلفه‌های هویتی جمع‌گرایانه: یکی از کلیدی‌ترین ویژگی‌های فساد، ترجیح منافع فردی بر خیر جمعی است که ناشی از غلبه هویت فردی و گروهی افراد بر هویت جمعی آنان در سطح جامعه

برای ترویج و توزیع آنها در سطح کشور و به صورت خاص برای کودکان و نوجوانان از امکاناتی مانند کتابخانه سیار و سینما سیار بهره بگیرد.

۳ به منظور ترویج فرهنگ مقابله با فساد و نهادینه‌سازی ارزش‌های فسادستیزانه در فرهنگ عمومی جامعه، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است اقدامات زیر را انجام دهد:

- اختصاص ۳ ساعت به صورت هفتگی برای پخش برنامه‌های گفتگومحور انتقادی و مطالبه‌گرانه در صداوسیما در حوزه فسادستیزی و به چالش کشیدن متولیان که فساد در مجموعه آنها مشهود بوده است،
- پخش حداقل ۳۰ دقیقه برنامه‌های مختلف روزانه در قالب‌های گوناگون هنری و رسانه‌ای برای گروه‌های مختلف سنی (به صورت خاص کودکان و نوجوانان) با موضوعات آثار سوء رشوه دادن و رشوه گرفتن بر حقوق عموم مردم،

- معرفی و برجسته‌سازی شخصیت‌های الگو در زمینه مبارزه فساد (از قبیل مدیران، کارکنان، نخبگان، عامه مردم) در برنامه‌های صداوسیما،
- فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای ایجاد و گسترش بستر مردمی «شهروند-خبرنگار»،

- تقویت و حمایت از خبرنگاری «تحقیقی» و تولید اخبار نظارتی و مطالبه‌گرانه،

۴ آیین‌نامه اجرایی شیوه پوشش رسانه‌ای فساد توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و سازمان تبلیغات اسلامی، متناسب با اقتضات حرفه‌ای خبرگزاری‌ها و نیز با هدف رعایت ملاحظات اخلاقی، مصالح عمومی، خودداری از ترویج یا قبح‌زدایی از فساد و نیز لحاظ آرامش و امنیت روانی جامعه، تهیه و به تصویب شورای عالی فضای مجازی می‌رسد.

۵ بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای مکلف است در راستای تولید بازی‌های رایانه‌ای آموزشی و آگاهی‌بخش در گونه بازی‌های جدی در خصوص شیوه‌های مقابله و برخورد با فساد و مصادیق گوناگون آن، اقدامات لازم از قبیل سرمایه‌گذاری، فراخوان، حمایت، پشتیبانی و ترویج را انجام دهد.

۶ وزارت آموزش و پرورش مکلف است نسبت به تولید محتوای آموزشی حول محور عدالت‌خواهی، مبارزه با مفاسد چون رشوه و جلوگیری از ایجاد و اشاعه آن و گنجاندن آن در کتب درسی و ساعات آموزشی اقدامات لازم را انجام دهد. همچنین وزارت آموزش و پرورش مکلف است با همکاری وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی با تأکید بر میراث پیشینیان ارزش‌های برجسته آن، روایت‌های تفسیری عبرت‌آموز برگرفته از موفقیت‌ها و شکست‌های کشور در طول تاریخ را به شکل برگزاری اردوهای دانش‌آموزی و تولید محتوای آموزشی (انواع محتوای نمایشی و مکتوب از قبیل: ویدئو کلیپ و ویدئوگراف و داستان، شعر و ترانه و نما‌آهنگ و...) در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد. سازمان صداوسیما مکلف است محتوای آموزشی تهیه و آماده شده توسط وزارت آموزش و پرورش را، به صورت رایگان در زمان مناسب و اوج

تبیین اشتراکات مفهومی، به صورت خاص درباره مفهوم جایگاه مردم در مقابله با فساد، از طریق تصویرسازی و فعالیت‌های رسانه‌ای مؤثر در این زمینه، نگرش غالب بر افکار عمومی را به سمت ایجاد نگرشی مثبت و مطلوب از حاکمیت سوق داد و زمینه‌های مناسب برای مشارکت مردمی در امور حکمرانی به صورت گسترده‌تر فراهم آید.

۲-۴. دشوارسازی امکان تحقق فساد: صرف وجود زمینه‌ها و بسترهای مستعد شکل‌گیری فساد، می‌تواند محرک و شتاب‌بخش بروز اقدامات مفسدانه باشد. از این رو، لازم است تا حد امکان شرایط و موقعیت‌های اجتماعی را به گونه‌ای رقم زد که اساساً امکان شکل‌گیری و بروز فساد وجود نداشته باشد یا حداقل اقدام به فساد به امری بسیار دشوار و پرمنازع تبدیل شود.

۳-۴. ارتقای شایسته‌سالاری در فرهنگ سازمانی: در صورتی که افراد در جایگاه درستی از لحاظ مسئولیت و تخصص قرار بگیرند، خودبه‌خود زمینه بسیاری از مفاسد برچیده خواهد شد. به این منظور با طراحی ساز و کارهایی در شیوه‌های جذب و گزینش و ارتقا و پایش عملکرد و... شایسته‌سالاری محوریت قرار بگیرد و با بهره‌گیری از ابزارهای تشویقی و ترغیبی، این ارزش در فرهنگ سازمانی نهادینه و تثبیت شود.

۴-۴. استحکام بخشی به ضمانت اجرای قوانین: افزایش ضمانت اجرای قوانین افزون بر اینکه شأن و جایگاه قانون را ارتقا می‌بخشد، از شکل‌گیری و بروز بسیاری از میانبرها و مسیرهای غیرقانونی جلوگیری می‌کند. اجرای متعهدانه قوانین و نظارت سختگیرانه بر آنها اقتدار قانون را در ادراک عمومی جامعه ایجاد می‌کند و عرصه را بر روابط پنهان یا غیررسمی برای دور زدن قوانین و اقدامات سلیقه‌ای و منفعت‌طلبانه تنگ می‌کند.

ب) راهکارها

با در نظر داشتن سیاست‌ها و راهبردهای تعیین شده که در بخش قبلی شرح داده شد، برای کاهش گرایش به سمت فساد چند راهکار فرهنگی و مرتبط با بخش فرهنگ، به شرح زیر ارائه می‌شود.

۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی مکلف است با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و دیگر نهادهای ذی‌ربط نسبت به طراحی نشان ملی (جایزه) مقابله با فساد و اهدای سالیانه آن، اقدامات لازم را انجام دهد.

۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است حداقل ۱۵ درصد از مجموع اقدامات و برنامه‌های حمایتی و پشتیبانی‌های مادی و معنوی خود از تولیدات مربوط به آثار ادبی و نمایشی - با تأکید بر قالب‌های رمان، فیلم سینمایی و پویانمایی - را به آثاری اختصاص دهد که در بردارنده ارزش‌های فسادستیزانه، آگاهی‌بخش نسبت به فسادهای گسترده‌ای مانند رشوه و تقویت‌کننده جایگاه اشخاص مبارزه‌کننده با فساد (به خصوص قوه قضائیه و نیروهای انتظامی و امنیتی) اختصاص دهد و



صورت تشخیص و تأیید عالی‌ترین مقام قوه قضائیه امکان پخش برخط دادگاه‌های مزبور در درگاه رسمی قوه قضائیه فراهم شود.

۱۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف است شاخص‌های مربوط به اجرای سیاست‌های فرهنگی (در اسنادی چون سند مهندسی فرهنگی، سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها و...) با تأکید بر تنظیم فهرست نظارتی-کنترلی (چک‌لیست) را تدوین و طی رصد فرهنگی نتایج آن را اطلاع‌رسانی کند.

۱۱ سازمان بازرسی کل کشور با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران موظفند سامانه‌های صحت‌سنجی و راستی‌آزمایی در خصوص عملکرد دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و عمومی و بازنمایی رسانه‌ای آن را طراحی و راه‌اندازی کنند.

۱۲ در طرح حمایت مالی از افشاگران فساد (ثبت ۲۱۶) ماده‌ای به شرح زیر گنجانده شود:

«روزنامه‌نگاران، خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای که به‌عنوان گزارشگر فساد احراز شوند، علاوه بر حمایت‌های مذکور در ماده (۶) این قانون به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از حمایت‌هایی چون آموزش رایگان، بیمه و یا ارائه تسهیلات از طریق صندوق اعتباری هنر این وزارتخانه بهره‌مند خواهند شد.»

۱۳ وزارت کشور مکلف است با همکاری سازمان بازرسی کل کشور در راستای فهم نگرش جامعه نسبت به فساد مسئولان و میزان بروز فساد در ادارات و دستگاه‌ها نسبت به انجام پیمایش ملی دوسالانه برای ارزیابی شاخص‌هایی چون قرار گرفتن در معرض فساد، میزان اقبال دیگران برای همراهی با مفسدان، درک از میزان گسترش فساد و مانند آنها اقدام نماید.

مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان از شبکه‌های مرتبط و پرمخاطب محتوای مزبور را پخش و بازپخش نماید.

۷ نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و سازمان اسناد و کتابخانه ملی و کلیه کتابخانه‌هایی که به هر نحوی از انحاء منابع بودجه عمومی کشور استفاده می‌کنند، مکلفند نسبت به معرفی آثار ادبی مبارزه با فساد در درگاه‌های مجازی خود اقدام لازم را انجام دهند. سازمان صداوسیما مکلف است محتوای رسانه‌ای تهیه و آماده شده توسط این دستگاه‌ها را به صورت رایگان در شبکه‌های پرمخاطب و مرتبط و در ساعات اوج مصرف رسانه‌ای آنها را پخش و بازپخش کند.

۸ در جهت تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر و تقویت زیرساخت‌های برخط برای مطالبه‌گری و ایجاد پویش‌ها و کارزارهای مردمی در راستای افزایش حساسیت عمومی نسبت به مسئله فساد و نیز طراحی سامانه‌های سوت‌زنی و گزارش فساد با امکان دسترسی و کنشگری عموم مردم؛

■ وزارت کشور مکلف است ظرف شش ماه از تصویب این قانون ضوابط تأسیس و فعالیت گروه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد تخصصی مبارزه با فساد و سوت‌زن را تدوین کرده و به تصویب هیئت وزیران برساند.

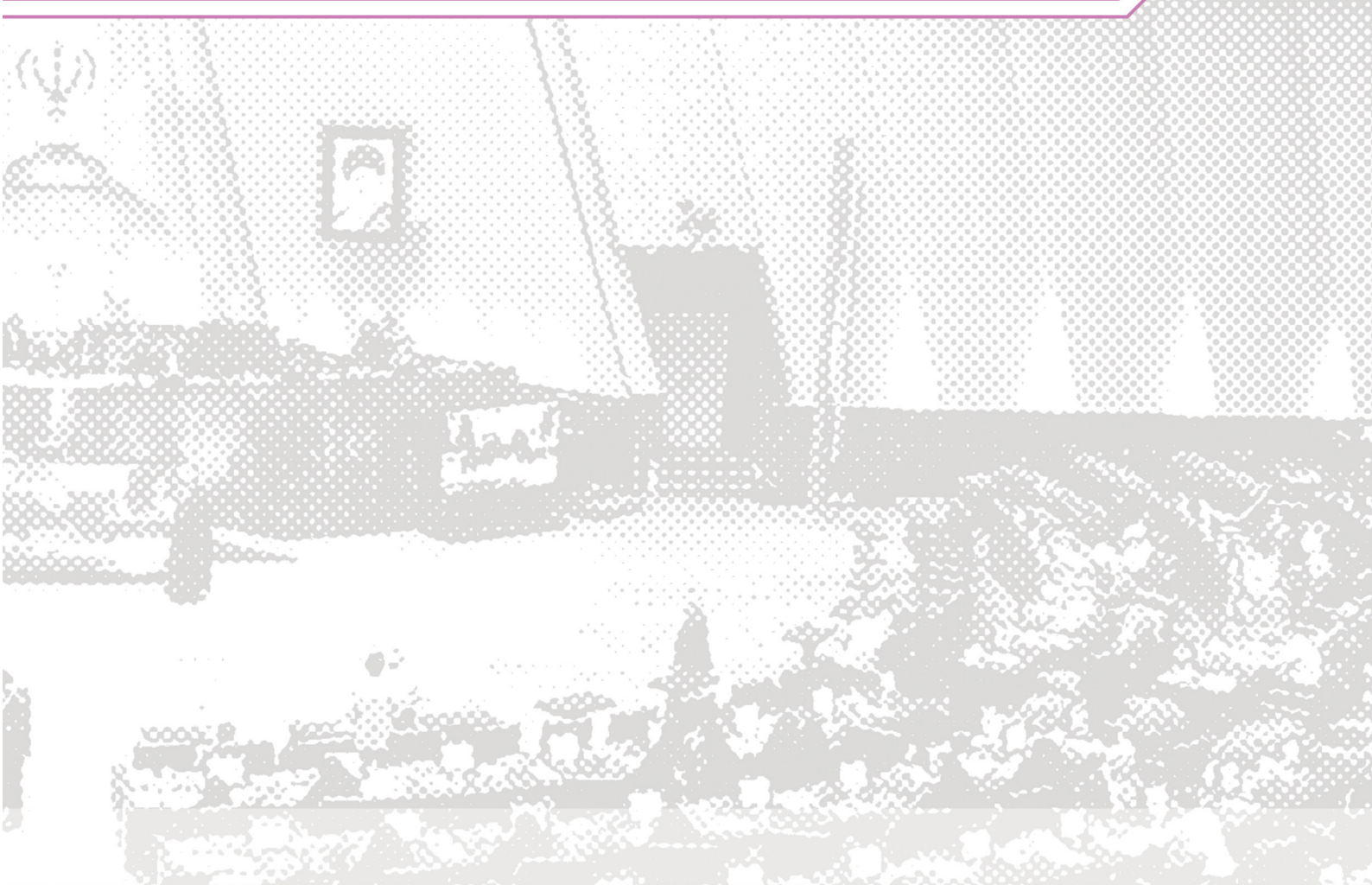
■ ستاد امر به معروف و نهی از منکر موظف است واحد مربوط به امر به معروف و نهی از منکر مسئولان و کارکنان دولتی را به سطح معاونت ستاد ارتقا داده و برای اثرگذاری بیشتر دولت مکلف است حمایت‌های لازم زیرساختی قانونی، مالی و اعتباری (در قوانین بودجه سالیانه) را در این زمینه فراهم آورد.

۹ قوه قضائیه موظف است سازوکار لازم را برای ایجاد دادگاه اخلاق سیاسی و مدیریتی به منظور پرداختن به کنش‌های غیراخلاقی و فسادزا (مانند خلف وعده، شایعه‌پراکنی، تمسخر و...) فراهم آورد. در

منابع و مآخذ



- [۱] فرهی بوزنجانی، برزو و هوشنگی، مهدی. بررسی نقش ارتباط سه‌گانه فرهنگ سازمانی، اخلاق کار و الگوی رفتاری در ایجاد سلامت اداری. مجموعه مقالات همایش ارتقای سلامت اداری، تهران: انتشارات زمان نو، ۱۳۸۹.
- [۲] بیانات مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۴/۶، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای [Available: Online]. KHAMENEI.IR
- [۳] بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۴/۷، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای [Available: Online]. KHAMENEI.IR
- [۴] دهخدا، علی‌اکبر. «لغت‌نامه دهخدا»، لغت‌نامه دهخدا، تهران، روزنه، ۱۳۷۲.
- [۵] الراغب الأصفهانی. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، با تفسیر لغوی و ادبی قرآن / غلامرضا خسروی حسینی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
- [۶] گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. مترجم حسن چاوشیان. تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۶.
- [۷] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران (۱۴۰۲/۲/۹)، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای [Available: Online]. <https://farsi.khamenei.ir>



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ (۴ خط) صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir